ادامه از صفحه ۱۶

اشتباه ما در بم انکار نقش اجتماعات محلی بود

اما این یک کلیشه است. حتی اگر چنین مثال‌هایی واقعا هم وجود داشته باشد، نباید نقش حاکمیتی را فراموش کرد. ما در قانون نیم‌بند مربوط به ان‌جی‌اوها بحث سی‌پی‌بی‌اوها را هم داریم؛ یعنی سازمان‌های متکی بر اجتماعات محلی. این البته در پیش‌نویس قانون آمده، اما سال‌هاست که خاک می‌خورد؛ یعنی قانونی که می‌تواند جوان‌های یک محله را برای نقش‌پذیری در حوادثی چون بم آماده کند در پستو مانده است! خب چطور می‌توان در چنین فضایی صحبت از مشارکت‌ناپذیری ایرانی‌ها کرد؟! جوان‌هایی که در برنامه‌های شخصی می‌توانند به‌سرعت مقدمات یک سفر را فراهم کنند، جوان‌هایی که یک دوست درمانده را سر جلسه امتحان چنان درمی‌یابند که آدم از این حمایت انگشت‌به‌دهان می‌ماند، در ده گروه فضای مجازی حضور فعال دارند، چطور ممکن است برای کمک به همسایه‌شان نتوانند خودشان را سازماندهی کنند. این سازماندهی‌ها هم از مسیر سی‌بی‌اوها می‌گذرد. ببینید بعد از بم چه تعداد ان‌جی‌او را بردند مؤاخذه کردند! آنها که رفته بودند در بم کمک کرده بودند، باید می‌رفتند جواب پس می‌دادند. این مانع اساسی است.

بحث حمایت‌های روانی برای کودکان و زنان بم چقدر جدی انجام شد؟

اخلاص‌پور: اتفاق خوبی که در بم افتاد، این بود که زنان بسیاری برای حمایت از زنان و کودکان در کنار یکدیگر قرار گرفتند. حتی مادرانی که فرزندانشان را ازدست داده بودند، برای حمایت از کودکان دیگر در برنامه‌های شاد شرکت می‌کردند. این باعث شد تا بسیاری از این زنان و کودکان به سوگ بلندمدت دچار نشوند. وقتی محور، کودکان باشد، بهترین اقدام حمایت‌های روانی است. کاری که در بم در قالب مهدهای شادی انجام شد و به مادران هم کمک کرد با فراغ بال بیشتری به امور خانواده‌شان به‌ویژه اشتغال خود برسند. در هر برنامه‌ای که برای مدیریت بحران زلزله انجام می‌شود، باید کودکان را در محور قرار داد و بقیه محورها را براساس آن طراحی کرد.

کودکان بی‌سرپرست یکی از موضوعات مهم بعد از این زلزله بم بود، سرنوشت کودکان تنهامانده بم چه شد؟

اخلاص‌پور: آنها که هیچ خانواده‌ای نداشتند، تحویل بهزیستی شدند و خیلی خانواده‌ها هم برای گرفتن سرپرستی آنها مشتاقانه درخواست دادند. تعداد خیلی زیادی از بچه‌های بی‌سرپرست شده هم جذب فامیل‌های خود در همان شهر یا شهرهای اطراف شدند؛ اما اتفاقی که افتاد این بود که این بچه‌ها به‌شدت از زلزله آسیب روحی دیده بودند و خانواده‌ها بعد از یکی دو سال برای نگهداری آنها دچار مشکل شدند؛ چراکه این بچه‌ها گذشته‌ای داشتند که آنها را رها نمی‌کرد. همین دو ماه پیش شنیدم خانواده‌ای ازطریق بهزیستی برای پس‌دادن کودکی که در زلزله بم به سرپرستی قبول کرده پیگیری‌هایی انجام می‌داده است! یعنی بعد از ۱۲ سال به این نتیجه رسیده‌اند که نمی‌توانند این بچه را نگهداری کنند! یعنی کودکان تنهامانده بم هنوز مسئله است! در بم همه آسیب دیده‌اند؛ اما آسیب‌دیده‌ترین گروه، کودکانی بودند که هم پدر و هم مادرشان را از دست دادند؛ آنها هنوز هم درگیر تبعات این زلزله هستند. چون این کودکان بعد از ۱۲ سال به سنی رسیده‌اند که برخی نیازهای نوجوانی به وجود آمده است؛ درحالی‌که هیچ برنامه‌ای حمایتی برای این نیازها وجود ندارد و خانواده‌هایی که سرپرست آنها هم شده‌اند، توان مواجهه با این نیازها را ندارند.

هیچ برنامه‌ای برای حمایت از این کودکان اجرا نشد؟

اخلاص‌پور: در طرح بازپیوند که با کمک بهزیستی استان کرمان، یونیسف و ان‌جی‌اوها اجرا شد، کارهای خیلی خوبی صورت گرفت. کودکان تنهامانده را دیدبانی می‌کردند و حتی می‌دانستند چه کسی شب را کجا سپری کرده است. ۹۰ نفر کارشناس در ۱۶ گروه آموزش دیده بودند و در این طرح کار می‌کردند. طرحی که قرار بود در همه کشور برای حمایت از هر کودکی که در معرض آسیب بوده است، اجرا شود؛ اما از سال ۸۴ به بعد فعالیت این گروه متوقف شد! درحالی‌که این طرح براساس پیمان‌نامه حقوق کودک قرار بود تا ۱۸ سالگی این کودکان و سرنوشت آنها را دنبال کند.

گروه‌های دیگر چه سرنوشتی پیدا کردند؟

زندرضوی: برای زنان همسرازدست‌داده، حمایت‌هایی مثل تأمین مسکن انجام شد البته برای تعداد محدودی. اما درباره مردانی که همسرانشان را ازدست داده بودند یا سالمندان بی‌سرپرست‌شده، حمایت‌ها در حد همان کمک‌های بهزیستی و کمیته امداد باقی ماند؛ اما یک گروه خیلی مهم، کسانی بودند که معلول شده بودند. بیش از ۲۵۰ نفر قطع‌نخاع شدند که بعدها وضعیت بسیار بدی پیدا کردند و تعدادی فوت شدند.

متغیرهای دیگر اجتماعی مانند ازدواج و طلاق هم دستخوش تغییر شد؟

زندرضوی: من اطلاع ندارم که آیا کار پژوهشی در این‌باره انجام شده است یا نه؛ ولی چیزی که دیده شد این بود که ازدواج در سن پایین برای دختران و حتی پسران در یک دوره افزایش یافت، اما اطلاعات آن به‌شکل دقیق جایی منتشر نشده است. نکته دیگر افزایش حاشیه‌نشینی در شهر بم بود. شهر بم دارای یک حاشیه شد. چون برای دریافت وام‌های مسکن، شما باید زمینی در بم می‌داشتید؛ بنابراین ساکنان بی‌زمین و کم‌بنیه در حاشیه‌ها مستقر شدند. عده‌ای هم که توانایی مالی بیشتری داشتند و به شهرهایی مثل کرمان مهاجرت کرده بودند، دو مکانی شدند؛ یعنی با استفاده از این وام‌ها، مسکنی در بم تهیه کردند، اما بین دو مکان رفت‌وآمد می‌کنند.

گزارش «شرق» از یک دهه کادرسازی به روش شهردار تهران

شهریاران ۳۵ ساله

معصومه اصغری: محمدباقر قالیباف، در یک دهه مدیریتی خود در شهرداری تهران جریان را برای انتخاب مدیران در سطوح مختلف متناسب با تفکر خود حاکم کرد. یکی از این اقدامات گذاشتن سقف سنی ۳۵ سال برای شهرداران نواحی بوده است که هنوز هم ادامه دارد. این اقدام قالیباف را می‌توان تلاشی بلندمدت برای کادرسازی به شیوه مدیریتی خود برای آینده شهر تهران برآورد کرد، حتی اگر روزی خود او در قامت شهردار تهران نباشد. بنا بر اطلاع خبرنگار «شرق» روند تربیت مدیران و برنامه‌ریزی جریان مدیریتی در شهرداری تهران، در سال‌های گذشته در بخش‌های مختلف وجود داشته است. این روند از سال‌های اول فعالیت شهردار تهران در بهشت وجود داشت و نمود انکارنشده آن جوانانی بودند که با خانه شهریاران جوان وارد شهرداری شده و در ادامه جذب برنامه‌های خاص، به‌ویژه در ایام انتخابات می‌شدند.

خانه شهریاران جوان که گویا نامش هم با همین هدف انتخاب شده بود، فضایی بود که برای تصمیم‌سازی، توانمندسازی و کادرسازی در مدیریت شهری تعریف و اجرائی شد. بعدها با تشکیل کانون‌هایی به نام «کانون‌های ارزیابی مدیران» از چند سال قبل، این برنامه‌ریزی شکل کاملا عملیاتی و ساختاری گرفت. با دستوری که شهردار تهران تقریبا از سال ۸۶ صادر کرد، ورود به مجموعه شهرداری جز در موارد خاص امکان‌پذیر نبود و بسیاری از مدیران باید از کانال‌هایی خاص می‌آمدند و آماده می‌شدند. براین‌اساس حدود دو هزار نفر از نیروهای شهرداری به طور مستقل و داوطلبانه یا با معرفی افراد یا سازمانی مشخص، از سوی این کانون‌ها ارزیابی شدند و درنتیجه مشخص شد کدام‌یک از این افراد برای پستی مشخص ظرفیت دارند یا شرایط رشد خوبی دارند. براین‌اساس خروجی اولیه این کانون‌های ارزیابی حدود ۲۵۰ نفر بودند که واجد صلاحیت در همه موارد بودند. این مسئله هم که شهردار نواحی باید زیر ۳۵ سال و معاون منطقه باید تا ۴۵ سال داشته باشند با همین دید تعیین شده بود که اگر فردی در این مسئولیت‌ها توانست به‌خوبی اقدام کند، حتما پتانسیل مدیریت بیشتر از آن را هم دارد. همین شیوه مدیریتی برای برگزیدن مدیران زن نیز به این شکل بود که در این مدت کانون‌های ارزیابی جداگانه‌ای برای آنها ایجاد شده بود که حدود ۷۰۰ نفر به آنها معرفی شد، اما از این تعداد فقط حدود ۱۰۰ نفر برگزیده شدند.

اگرچه با این برنامه‌ریزی، شهردار تهران با چراغ خاموش سال‌ها به تربیت مدیران می‌پرداخته، اما همچنان بسیاری از منتقدان یکی از نقاط ضعف شهرداری تهران را غلبه مدیران غیربومی، غیرمرتبط و متخصص و البته با سنین بالا ارزیابی می‌کنند. خسرو دانشجو، عضو سابق شورای شهر تهران، پیش از این یکی از نقاط ضعف عمده و پایه‌ای شهردار تهران در ۱۰ سال گذشته را نبود کادرسازی و ایجادنکردن سیستم جانشین‌پروری عنوان کرده بود. وی به «شرق» گفته بود: با توجه به دسترسی‌ها و نیروهای بسیاری که شهردار تهران در اختیار داشت، می‌توانست در این یک دهه تعداد زیادی از مدیران را پرورش داده و برای آینده کار شهرداری آماده کند تا امروز با مشکل کمبود مدیران توانا در سطوح میانی مواجه نباشیم. درحال‌حاضر جایگزینی یا حذف مدیران با نگرانی جانشین برای همان پست مواجه است و شخص شهردار تهران می‌توانست اثرات این آسیب را با نگاهی پیشگیرانه کم کند. ناصر امانی، معاون برنامه‌ریزی توسعه شهری شهرداری تهران، به عنوان یکی از مدیران شهرداری که در دوره‌ای خودش مسئول طبقه‌بندی و به قولی کادرسازی در شهرداری تهران بوده است، در توضیحی دراین‌باره به «شرق» گفت: این برنامه‌ریزی از حدود هشت سال قبل، یعنی سال‌های اولیه حضور شهردار تهران در شهرداری اتفاق افتاده و تاکنون هم ادامه دارد. استدلال هم این بوده که شهرداران نواحی باید بیش از ۵۰ درصد وقتشان را کف خیابان و بالای سر پیمانکاران و پروژه‌های شهری باشند و به همین دلیل باید از نظر توانایی بدنی و انگیزه بتوانند این قابلیت را اجرائی کنند. از نظر تجربی هم ثابت شده که این حجم کار برای افرادی که رده سنی بالایی دارند امکان‌پذیر نیست. امانی به برنامه‌ریزی و پیگیری شخصی قالیباف اشاره کرد و گفت: این قاعده درباره شهرداران نواحی و معاونان مناطق اجرائی شده و طبق قاعده نباید سنشان بیشتر از ۳۵ سال باشد و اگر افرادی باقابلیت، اما در سنین بالاتر باشند در ستاد و بخش‌های دیگر شهرداری به کار گرفته می‌شوند.

وی این اقدام شهردار تهران را نوعی کادرسازی در شهرداری برشمرد و گفت: وقتی فردی در شهرداری نواحی به‌خوبی عمل می‌کند و در ارتباط مستقیم با مردم و مشکلات شهر، مسئولیت‌ها را به‌خوبی درک می‌کند، می‌تواند به‌راحتی مسئولیت معاون منطقه یا شهردار منطقه را بپذیرد. این برنامه‌ریزی در این سال‌ها نوعی طبقه‌بندی برای مدیران شهرداری را در حوزه مدیریتی و اجرائی ایجاد کرده است.

البته در این رابطه استثناهایی را هم داشته‌ایم و اگر افرادی بالاتر از این سن باشند، اما قابلیت و ویژگی استثنایی داشته باشند، پس از بررسی کمیسیون مربوطه می‌توانند در موقعیت خود باقی بمانند. او در پاسخ به این سؤال که این‌گونه بوده که این مدیران جوان، از بیرون مجموعه شهرداری هم انتخاب شوند؟ توضیح داد: کمیسیونی وجود دارد که افراد معرفی‌شده برای این پست‌ها را ارزیابی می‌کند و این‌گونه نبوده که افرادی از بیرون شهرداری برای این مسئولیت‌ها انتخاب شوند. درحال‌حاضر هم بیش از ۷۰ درصد شهرداران نواحی با همین قاعده انتخاب شده‌اند. البته درباره معاونان مناطق هم این شرایط مشابه وجود داشته، اما الان آماری ندارم که ارائه کنم. در این مدت تعداد زیادی خانم‌ها در شهرداری تهران با همین روند در مسئولیت شهردار نواحی و معاونان مناطق قرار گرفته‌اند و باانگیزه و تحصیلات، فعال هستند. با این نگاه می‌توان این‌گونه برداشت کرد آنچه به عنوان تربیت مدیر در شهرداری تهران منوط به برخی افراد خاص و مرتبط با اشخاص خاص بوده است که در فواصل خاص زمانی مانند دو انتخاباتی که شهردار تهران هم در آن حضور داشته، ارتقایی قابل توجه یافته‌اند.

نیروهای فریزشده در شهرداری

یکی از اتفاقات مهم درباره همه کارکنان رسمی، ازجمله در شهرداری تهران این است که نیروهای رسمی باتحصیلات و سابقه بالایی که دارند، سال‌ها در یک پست و رتبه متوقف می‌مانند و دیگر فضایی برای رشد سازمانی در اختیار آنها قرار نمی‌گیرد؛ اتفاقی که می‌تواند منجر به بی‌میلی و بی‌تفاوتی آنها به وظایف اجرائی شود. ناصر امانی، معاون برنامه‌ریزی توسعه شهری شهرداری تهران، می‌گوید این مسئله را با طبقه‌بندی مشاغل و سیر ارتقای شغلی کارکنان تا حدودی حل کرده‌اند و می‌افزاید: در سال‌های گذشته با افزایش رتبه کارکنان از ۷ یا ۸ به ۱۲ و ۱۳ این شرایط تغییراتی داشت، اما هنوز هم شهرداری مانند بسیاری از دستگاه‌های دولتی درباره کارکنان رسمی خود با این مسئله مواجه است و هنوز هم بسیاری از کارکنان که در رتبه ۱۲ یا ۱۳ هستند به دلیل شرایط تحصیلی امکان ارتقا ندارند و در همین رتبه باقی مانده‌اند. امانی درباره کارکنانی که مدت‌هاست در رتبه‌های نهایی نظیر ۱۴ هستند و تغییری برای شرایط آنها متصور نیست هم گفت: هنوز این مشکل وجود دارد؛ البته تعداد آنها نسبت به کل نیروهای شهرداری تهران و حتی کل نیروهای رسمی درخور توجه نیست، اما حتی یک نیروی بدون انگیزه هم برای ما اهمیت دارد و سعی می‌کنیم با اصلاح شرایط ساختاری و بازتعریف این رتبه‌ها شرایط را اصلاح کنیم.

جوابیه شهرداری به یک گزارش

پذیرش زنان کارتن خواب در جامعه پایین است

در واکنش به انتشار گزارش «لادنم، با ۱۰۲بار سابقه ترک» در روزنامه «شرق»، روابط عمومی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران جوابیه‌ای ارسال کرده که متن آن به این شرح است:

۱- پرداختن به موضوع آسیب‌دیدگان اجتماعی، نیازمند استناد به دانش مددکاری، برخورد صحیح و غیراحساسی با این موضوع و نیز اظهارنظرهای علمی و کارشناسانه است. نکته‌ای که به نظر می‌رسد جای آن در گزارش خبرنگار محترم آن روزنامه خالی بود، اشاره به مصداق‌هایی مانند حضور «لادن» در کمپ شفق (که تا قبل از این، ویژه مردان بوده و به‌تازگی ویژه زنان شده است) و همچنین سابقه ۱۰۲بار ترک مواد مخدر (که از نظر علمی نمی‌تواند میانه‌ای با واقعیت داشته باشد)، این گزارش را بیشتر به سمت احساسی سوق داده است تا آسیب‌شناسانه؛ نکته‌ای که در بحث حساس ساماندهی آسیب‌دیدگان اجتماعی، همواره از آن به‌عنوان یکی از آفت‌های خطرناک فرایند بازگشت معتادان و اقشار آسیب‌دیده اجتماعی به جامعه یاد می‌شود.

۲- مطابق مصوبه شماره ۶۰۴/۷۰ مورخ ۱۳۷۸/۳/۲۵ شورای عالی اداری کشور درخصوص ساماندهی آسیب‌دیدگان اجتماعی، وظیفه ساماندهی آسیب‌دیدگان پس از اقدامات مراقبتی و خروج از مراکز اردوگاهی بر عهده سازمان بهزیستی و وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی (وزارت رفاه سابق) و سایر نهادها و دستگاه‌هاست که هرکدام از این نهادها بنا به تناسب مأموریت‌های محوله، باید اقداماتی را درخصوص وضعیت معیشت و زندگی و بهداشت و... این مددجویان تا اطمینان از بازگشت آنها به چرخه زندگی مناسب، پیگیری و اجرا کنند. بر این اساس علاوه بر موارد مصرح در قانون شهرداری‌ها مطابق آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۲۷۱۷ مورخ ۱۳۸۴/۵/۳ هیأت‌وزیران و مصوبه شماره ۶۰۴/۷۰ مورخ ۱۳۷۸/۳/۲۵ شورای عالی اداری کشور، شهرداری‌ها درخصوص موارد ذیل مسئولیت دارند:

• تخصیص و تجهیز فضای فیزیکی مناسب جهت اجرای مراحل ساماندهی به استناد ماده ۶ قانون شهرداری

• تأمین امکانات مورد نیاز ساماندهی کودکان خیابانی و متکدیان با اجرای تصمیمات کارگروه اجتماعی استان

• شناسایی و جمع‌آوری و تحویل متکدیان به مجتمع

از سوی دیگر، در ادبیات مددکاری سه نوع پیشگیری را مطرح می‌کنند که پیشگیری سطح یک به معنای آگاه‌سازی برای جلوگیری از ورود به چرخه آسیب، پیشگیری سطح دو برای درمان و جلوگیری از گسترش آسیب و پیشگیری سطح سوم به‌معنای توانمندسازی و بازگشت مددجو به خانواده و جامعه است.

راه‌اندازی مددسراها و سامان‌سراها توسط شهرداری تهران براساس سطح دوم پیشگیری؛ یعنی «درمان و جلوگیری از گسترش آسیب» بوده است. با این پیش‌فرض که مددسرا یا همان گرم‌خانه‌ها تنها وظیفه شناسایی، انجام اقدامات اولیه بهداشتی و تأمین یک وعده غذای گرم و سرپناهی مطمئن را دارند و سامان‌سرا محلی خواهد بود برای ساماندهی کوتاه‌مدت مددجویان با همکاری دستگاه‌های مختلف مسئول در این حوزه. بر این اساس شهرداری براساس تکالیف از پیش تعیین‌شده تنها می‌بایست زیرساخت این موضوع را فراهم می‌کرد. ناگفته پیداست وقتی وظایف همه کسانی که باید باشند را بخواهی به‌تنهایی انجام بدهی طبیعی است که نمره کامل را نخواهی گرفت.

۳- اما سامان‌سرای مورد اشاره در گزارش روزنامه «شرق»، یعنی سامان‌سرای لویزان، قرار نبوده است محلی برای ترک اعتیاد باشد و از این‌رو برخی مددجویان آن را «گداخانه» می‌نامند که متکدیان برای تعیین‌تکلیف به آنجا منتقل می‌شدند. آنان در این دوره در مکانی همراه با گمشدگان یا بیماران اعصاب و روان و البته در بخش‌های جداگانه نگهداری می‌شده‌اند تا حکم قضائی درخصوص آنها صادر شود و پس از آن مراجع بعدی برای ارجاع به این حکم تمکین کنند. در این مدت نیز پروتکل درمانی براساس کمپ‌های ترک اعتیاد به اجرا گذاشته می‌شود.

۴- بااین‌حال شهرداری تهران براساس مسئولیت اجتماعی که برای خود تعریف کرده و ضرورت حضور مؤثر در این حوزه طی سال‌های اخیر دو تصمیم شایان توجه گرفت: اول آنکه هر سه سطح پیشگیری را برای مقابله با سوءمصرف مواد مخدر در برنامه‌ریزی‌ها لحاظ کند که برگزاری کارگاه‌های «یک نَه محترمانه» در محلات تهران و برای خانواده‌ها از آن جمله است. از سوی دیگر پیشگیری سطح سوم در برنامه‌های شهرداری تهران وارد شد و برای بازگشت این مددجویان به خانواده، با مهارت‌آموزی و کارآفرینی پس از دوره ترک فیزیکی و در زمانی طولانی‌تر اقدام شد که راه‌اندازی مجتمع‌های «بهاران» بر همین مبناست.

هم‌زمان، ارائه خدمات باکیفیت‌تر در سامان‌سراها و مددسراها هم‌زمان با تکمیل چرخه پیشگیری در دستور کار شهرداری تهران قرار داده شد. به‌گونه‌ای که ساختمان سامان‌سرای لویزان در سال ۹۴ تعمیر اساسی شده و حتی محیط عمومی برای هواخوری مددجویان در این مرکز تعبیه شد. عایق‌کاری و تفکیک بخش‌های گوناگون مرکز لویزان به‌دقت انجام شد و در حوالی همین مرکز مجموعه‌ای وسیع برای مهارت‌آموزی و توانمندسازی زنان پس از ترک اعتیاد در حال احداث است.

۵- نباید فراموش کرد پذیرندگی جامعه درخصوص زنان دارای تجربه زندگی در خیابان هنوز در جامعه ما پایین بوده و اصلاح این نگاه از عهده شهرداری تهران به‌تنهایی خارج است. از سوی دیگر حرکت‌های مردمی در حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی همواره با مقاومت از سوی برخی مواجه بوده که این اقدامات را موجب تشویق «سبک زندگی بی‌خانمانی» می‌دانند، اما به نظر می‌رسد راهی که برای بهبود شرایط موجود و توانمندسازی زنان معتاد در نظر گرفته شده با همکاری همه دستگاه‌های مسئول می‌تواند به نتیجه‌ای قابل‌قبول منجر شود.

۶- مجددا تأکید می‌کنیم که چرخه بهبود و بازگشت به اجتماع مددجویان و آسیب‌دیدگان چیزی نیست که بتوان با یک نهاد و سازمان به‌طور کامل اجرا کرد، چراکه اگر آسیب‌دیده پس از ترک، مورد حمایت قرار نگیرد، دوباره به چرخه آسیب بازخواهد گشت. لذا عدم‌حضور سایر نهادهای مسئول، حتی باوجود اقدامات شهرداری، موجب بازگشت مددجویان به چرخه آسیب خواهد شد. در امر ساماندهی آسیب‌دیدگان، قانون برای ۱۷ نهاد و دستگاه دولتی در کنار شهرداری وظایفی تعریف کرده است که متأسفانه یا بعضا حضور ندارند و یا خارج از چرخه ساماندهی و به‌طور مستقل عمل می‌کنند و یا اینکه حضور تمام‌عیاری ندارند. لذا سلسله اقدامات شهرداری از منظر مسئولیت انسانی و مطالبات مردمی فراتر از مأموریت و مسئولیت قانونی‌اش بوده و چشم‌بستن بر واقعیت درباره اقدامات این نهاد مدنی صرفا موجب پررنگ‌ترشدن عدم حضور سایر نهادها خواهد بود.

۷- در پایان از خبرنگار محترم روزنامه «شرق» و سایر رسانه‌ها دعوت می‌کنیم تا با حضور در «سامان‌سرای لویزان» سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران، از نزدیک در جریان تلاش‌ها و فعالیت‌های انجام‌شده در این مرکز برای ساماندهی زنان و معتادان کارتن‌خواب و بازگشت آنان به جامعه قرار گیرند.

خبر

تکذیب افزایش مرگ‌ومیر به دلیل آلودگی هوا

• **ایسنا:** وزیر بهداشت با بیان اینکه آمار مرگ‌ومیرهای امسال نسبت به سال گذشته تغییری نکرده، افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی مراجعات به اورژانس‌ها به دلیل آلودگی هوا را رد کرد. دکتر سیدحسن هاشمی در حاشیه مراسم کمپین شهروند سالم، در پاسخ به سؤال خبرنگاران درباره برخی اظهارنظرها مبنی بر افزایش مرگ‌ومیر به دلیل آلودگی هوا گفت: اخبار مربوط به افزایش مرگ‌ومیر ناشی از آلودگی هوا را دیدم. گزارش‌هایی که دراین‌زمینه ارائه شده و ادعاهایی که می‌شود زیاد قابل استناد نیستند. من از مسئول سازمان بهشت‌زهرا(س) دراین‌زمینه سؤال کردم و پرسیدم آیا تعداد مرگ‌ها افزایش داشته است که گفتند تعداد مرگ‌ها در طول سال ثابت است و از دی‌ماه به بعد افزایش می‌یابد. هاشمی ادامه داد: مسئول سازمان بهشت‌زهرا(س) می‌گفتند مثلا ما روزانه بین ۱۴۰ تا ۱۵۰ فوتی داریم که در این فصل به ۲۰۰ نفر افزایش می‌یابد، اما آمارها نسبت به سال گذشته تفاوتی نکرده‌اند. بنابراین یعنی ما باید نگران آلودگی هوا باشیم و برای بهبود آن تلاش کنیم. اما با این موضوع به‌صورت ابزاری برخورد نکنید. وی در پاسخ به سؤال خبرنگاری درباره افزایش مراجعات به اورژانس به دلیل آلودگی هوا گفت: این‌طور نیست که مراجعه به اورژانس ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش داشته باشد. در این موضوع که هوای آلوده منجر به بیماری می‌شود، تردیدی وجود ندارد. باز هم در این موضوع که آلودگی هوا بیماری‌های تنفسی به‌ویژه آسم را تشدید می‌کند، تردیدی نیست اما ازطرف‌دیگر باید در ذکر آمار دقت کنیم؛ چراکه مردم به مرور زمان بی‌اعتماد می‌شوند. بنابراین نباید ذهنیات و حدسیات خود را به‌عنوان آمار قطعی اعلام کنیم. من آنچه را که اطلاع دارم از سوی سازمان بهشت‌زهرا(س) و اورژانس‌ها و آمار مرگ‌ومیرهای بهشت‌زهرا(س) نسبت به سال گذشته تغییری نکرده است که ممکن است دلیل آن مراقبت مردم باشد. وزیر بهداشت با بیان اینکه ما می‌خواهیم هوای شهرمان پاک باشد، گفت: باور داریم که انجام این کار شدنی است، اما یک وزارتخانه یک سازمان و حتی دولت به تنهایی از پس آن برنمی‌آید و همه باید کمک کنند و بدانند این کار شدنی است. همان‌طور که روزی هوای لندن و استانبول بسیار آلوده‌تر از تهران بود اما در برنامه‌ای ۱۰ساله اکنون جزء پاک‌ترین شهرهای دنیا محسوب می‌شوند؛ چراکه هیچ‌کس مسئولیتش را گردن دیگری نینداخته است.